

رواج فرهنگ معافیت از جنایت ضد بشریت

امیرفیض- حقوقدان

یکی از وقایع نا متوازن و بل بسیار تاسف انگیز جهان حقوقی امروز، تفویض مصونیت قضائی! به گلبدین حکمتیار افغانی است.

چرا نامتوازن و تاسف انگیز

حکمتیار رهبر حزب اسلامی افغانستان است که حدود ۲۰ سال است که علیه دولت و ملت افغانستان می‌جنگد. آنهم جنگی کور و وحشیانه و مصداق جنایت علیه بشریت، حکمتیار و حزب اسلامی او از سوی نهادهای حقوق بشری متهم به موشک باران کردن کابل و دست داشتن در کشتار هزاران افغانی (پنجاه ۵۰,۰۰۰ هزار) مقیم کابل هست که بین سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ کشته شده اند. بسیاری از مردم افغان بویژه اهالی کابل حکمتیار را بعنوان قصاب کابل مینامند؛ این عنوان بدان سبب به او تعلق یافته که مردم افغان و حتی خود حکمتیار، او حزبش را مسئول کشتار عمدی هزاران غیرنظامی و تخریب شهر کابل میدانند و حکمتیار در آن فاصله زمانی شهرکابل را بدون تفکیک، راکت باران کرد و افراد وی مرتکب هزاران تجاوز جنسی شدند.

در گزارش دیده بان حقوق بشر آمده است؛ که حکمتیار با اتهامات پاشیدن اسید بر روی زنان و بدرفتاری های جدی حزب اسلامی را ثبت کرده از جمله تهدید به مرگ کارمندان امداد و روزنامه نگاران و همچنین در گزارش آن نهاد آمده است که حزب اسلامی زندان هائی در شمشتو در خاک پاکستان ایجاد کرده است که در آن مخالفان خود را شکنجه میداده. گزارش مزبور بنا بر اظهارات حکمتیار نوشته است که در هر ولایت افغانستان گورهای دستجمعی وجود دارد که در نتیجه موشک باران بی رحمانه کابل بوسیله آدم کشهای حکمتیار شکنجه و کشته شده اند > حکمتیار همواره از پاکسازی قومی در افغانستان حرف میزد<- و این درست از مصادیق جنایت علیه بشریت است. (دانشنامه آزاد)

داوری عمومی

داوری عمومی مردم افغانستان هرچه باشد حکمتیار و حزبش را یک جانی و جنایتکار به حقوق و اموال و ناموس مردم میدانند که این داوری بر ارکان حقوق ملی مردم افغانستان مستقر است؛ که با انجام اقداماتی مجموعه ارکان جرم جنایت علیه بشریت را مرتکب شده است؛ او حدود ۲۰ سال برای فرار از مجازات بطور مخفی با مردان مسلح به سلاحهای جنگی در افغانستان میزیسته است این جانی نمیتواند و نباید از عطاوت قانون آنهم تحت عنوان نادرست مصونیت قضائی استفاده کند تا تالمات عدالت و انسانیت از این

واقعه غیرقابل احصاء است؛ این عمل نادری که در افغانستان جریان یافته و متأسفانه خیلی سریع مورد تاسی سازمان ملل متحد هم قرار گرفته بطوریکه در ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۶ حزب اسلامی با دولت افغانستان پیمان صلح امضا کرد؛ و در سوم فوریه ۲۰۱۷ تحریم های سازمان ملل علیه حکمتیار و نام او از فهرست سیاه سازمان ملل و سازمان سیای آمریکا برداشته شد. امری که از نظر شتاب کاملاً بیسابقه بی نظیر بوده است. او با همراهان مسلح و ملیشاهای سوار بر اتومبیل ها و باداشتن با مسلسل و نارنجک وارد کابل شد.

پیمان صلح

آنطور که خبرگزاریها اطلاع داده اند با آن جانی پیمان صلح منعقد گردیده است، باید دانست که پیمان صلح همواره بین کشورهاست و نه کشور و افراد، روابط افراد با دولت و برعکس بموجب قرارداد نیست بلکه بموجب قانون است صلح با کسی که علیه قانون اساسی قیام کرده و عملش منجر به قتل و تضییع حقوق خصوصی شده است مصداق حقوقی پیمان را ندارد.

افراد کشورها از حق عفو استفاده میکنند و آنهم بنا بر ترتیب قانون اساسی که ممکن است شامل مرتکبین جنایات میگردد این نکته ممتاز قابل توجه است که هیچ مقامی حق ندارد که مجرمی را که محاکمه نشده عفو کند و اگر کرد حتی بوسیله مجلس، ان عفو معتبر نیست (نمونه عفو خلیل ظهماسبی) بنابراین به حکمتیار و عوامل او که مرتکب جنایات عدیده شده اند نه پیمان صلح متعلق است و نه عفو، مادامی که محاکمه نشده اند البته ناگفته پیداست که حقوق عمومی ممکن است در شرائط خاصی تعلیق شود ولی حقوق زیان دیده از جرم رانمیتوان بدون رضایت شاکی و یا تامین هزینه زیان او با عفو معاوضه نمود. بنابراین ملاحظه میشود که ارکان لازم حتی برای عفو حکمتیار رعایت نشده است و اعتراضات مردم کابل به موافقتنامه صلح با حکمتیار مقرون به عدالت و انصاف و وارد است.

امثال حکمتیار که میخواهند دست از مخالفت با دولت بردارند باید اعلام ختم خصومت کنند و این یک ایجاب سیاسی است که اصل مهم بر زمین گذاشتن سلاح و تسلیم کسانی است که مورد تعقیب بوده اند و قبول دولت نسبت به ایجاب امثال حکمتیار جنبه الزامی ندارد و بل جنبه ارفاقی دارد یعنی دولت نسبت به مجازات آنها قائل به تخفیف و یا تعلیق مجازات خواهد شد.

برخی از مواد پیمان صلح!

برخی از مواد پیمان صلح! بین دولت افغانستان و حکمتیار ملقب به نامهای (امیرموشک انداز - قصاب کابل) چنین است.

تضمین قضائی حکمتیار و اعضای حزب اسلامی - تامین مکانی امن و مناسب برای زندگی اعضای حزبی در کابل - استفاده اعضای حزبی از امکانات دولتی - آزادی اعضای زندانی حزب اسلامی.

یعنی قاتلین ۵۰،۰۰۰ افغالی و متجاوزین به ناموس زنان و دختران افغانی و غارت اموال آنها و مقاومت در مقابل قانون و ایجاد هزینه سرسام آور برای ملت افغان هیچ و هیچ و ظالمان و متهمان به جنایات ضد

بشریت طلبکار هم شده اند باید درخانه های مناسب وبا استفاده از امکانات دولتی مورد استقبال واحترام دولت افغان هم قرارگیرند.

تلخی وزشتی آن عمل

تلخی وزشتی عمل مزبور تنها متوجه دولت وملت افغانستان نمیشود بلکه این غده چرکین درهمه کشورهای جهان ملاک عمل قرارخواهد گرفت؛ و سر باز خواهد کرد وهمین ابوبکر بغدادی ویا آن رهبر بوکو حرام پس از اینکه هزاران هزار زن ومرد بیگناه را سربریدند ودختران را گله، گله زدیدند و فروخند و آنگاه که خسته شدند ودیگر قادر به ادامه جنایات خود نبودند از همین نسخه حکمتیار استفاده میکنند وبا دولت ها پیمان صلح! منعقد میسازند وکسی هم نمیتواند به آنها بگوید شما روزی فلان جنایت را کرده اید.

با این ادبیاتی که دنیای امروز برای تبهکاران وضع کرده اگرهرکس که قدری بی وجدان وبی شرافت باشد راه داعش وحکمتیار وطالبان را انتخاب نکند آدم بی عرضه ای است.

ترس از مجازات وتبهکاری

یگانه عامل که بشریت برای جلوگیری از تبهکاری برگزیده واین طریق سابقه ای بسیار دیرینه وکهن دارد که حتی ریشه آن درهمه مذاهب دیده میشود مجازات تبهکاران است که ترس و واهمه از آن مانع وقوع جرم ویا تکرار و تعدد آن میشود یکی از فلاسفه نوشته است: <اگر بنیاد بیداد زیر و رو نشود نهال عدالت را نمیتوان در جامعه کاشت>

آنین سیاست ار برافتد بنیاد امان زپا درافتد

آن باغ زایمنی ثمریافت کزین سیاست ابخوریافت

دولت افغانستان تصمیم نسبت به حکمتیار را از ابزار مهمه صلح و آرامش در افغانستان دانسته است بکلی این برداشت فاسد ونادرست است؛ آقای وگملن کارشناس مسائل افغانستان در این مورد گفته است <من هیچوقت معتقد نبوده ام که صلح با حکمتیار به برقراری صلح در افغانستان کمک میکند او سازمانی را رهبری میکند که تهدید کوچکی در میدان جنگ میباشد و قرار داد با حکمتیار تاثیر چندانی در تشویق طالبان به برقراری صلح ندارد.>

از آن گذشته امکانات وبقول خودشان مصونیت های قضائی که برای حکمتیار قائل شده اند، رواج فرهنگ معافیت وبرسمیت شناختن آن برای همه تبهکاران وعاملین جنایات علیه بشریت خواهد بود.

توضیحی درباره مصونیت قضائی

مصونیت قضائی که درمورد حکمتیار مورد لحوق حکم ویا نظر قرار گرفته درمورد حکمتیار مصداق ندارد.

زیرا مصونیت قضائی بمعنای مصونیت دادن به اشخاص قبل از وقوع جرم است مانند مصونیت قضات و یا مصونیت قضائی نمایندگان کشورها در کشورهای دیگر، مصونیت های پارلمانی، مصونیت برای اطفال

کمتر از سن قانونی و امثال آنها مصونیت قضائی که یکی از انواع مصونیت های قانونی محسوب است موقعیتی است که قانون به افراد میدهد که بدون نگرانی از تعقیب قضائی به وظایف خودشان عمل کنند نه اینکه کسی که مرتکب جنایات عدیده عمومی و خصوصی شده و ۲۰ سال است علیه دولت و ملت کشتار و تجاوز کرده از مصونیت قضائی استفاده کند.

نمونه مصونیت قضائی

مهمترین نمونه ای که میتوان ارائه داد مصونیت قضائی مستشاران آمریکائی در کشورهاست که بموجب قانون سال ۱۹۷۶ کنگره (هیچگونه ماموریت نظامی «مستشاری» در خارج از کشور نمیتواند بدون ضمانت حقوق ملی این کشور اجرا گردد) و **در کلامی دیگر، بموجب قانون مزبور مصونیت قضائی نیروهای نظامی- مستشاران نظامی- متخصصین سلاحها در کشورهای دیگر رسماً توسط دولت منتفع باید ضمانت شود.**

جنبه اجرایی قانون مزبور چنین است که هر کشوری در جهان که بخواهد با آمریکا روابط نظامی و تسلیحاتی داشته باشد ناچار است که به قانون مزبور تمکین کند.

قانون مزبور نسبت به مستشاران و افراد نظامی آمریکا در کشورهای آلمان - فرانسه - ژاپن و هر کشوری که قرارداد های نظامی با آمریکا دارد جریان دارد.

(تطبیق مورد با قانون مصونیت مستشاران نظامی دولت شاهنشاهی ایران که بهانه شورشیان مذهبی شد)